

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۱۳ اکتوبر ۲۰۱۳

تسلیم زبونه به خواست‌های امپریالیست‌ها و خشونت سرکوبگرانه در مقابل زحمتکشان!

هدف از مهندسی انتخابات و از صندوق مارگری در آوردن حسن روحانی این بود که بتوانند در عرصه داخلی سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیستی را که در دوران ۲۴ ساله گذشته به صورت پیگیر دنبال می‌شد، به نقطه پایانی خود برسانند و در عرصه خارجی با تسلیم شدن به خواست‌های امپریالیست‌ها به شرط تضمین بقاء حاکمیت بتوانند از بن بست موجود خارج شوند.

خامنه‌ای در دیدار با فرماندهان سپاه با عنوان کردن عدم مخالفتش با مذاکره و کار برد دیپلماسی برای حل معضلات و اشاره به ضرورت به کار گیری "نرمش قهرمانانه" با همان مضمونی که سال‌ها قبل به کار برده، در واقع خط و مشی جدید را، رسماً به فرماندهان سپاه اعلام کرد و از آنها خواست که کابینه حسن روحانی را در این جهت یاری دهند.

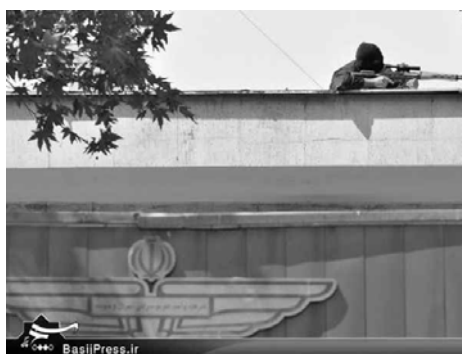
خامنه‌ای در سال ۱۳۴۸ کتابی را به نام (صلح‌الحسن) که نویسنده آن راضی آل یاسین می‌باشد ترجمه کرده است که عنوان آن را به (صلح امام حسن - پرشکوه ترین نرمش قهرمانانه تاریخ) تغییر داده است. در این کتاب هدف از تسلیم امام دوم شیعیان به معاویه و بیعت با او و واگذاری خلافت مسلمین به معاویه، "نرمش قهرمانانه" توصیف شده است.

آقای خامنه‌ای که در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ ادعا می‌کرد: "نه امریکا و نه بزرگتر از امریکا قادر نیستند حادثه‌ای مثل حادثه صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل کنند. اینجا اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد" و حتی در سی تیرماه [سرطان] سال جاری در مورد مذاکره با امریکا می‌گفت: "امریکائی‌ها، هم غیر قابل اعتمادند، هم غیر منطقی‌اند، هم در برخوردشان صادق نیستند". امروز به دلیل عدم اتکاء به مردم و بحران عظیم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، برای حفظ و بقای حاکمیتش حاضر شده به صلح امام حسنی یا تسلیم به شیطان بزرگ راضی شود؛ و با وقاحتی که فقط از آخوند بر می‌آید برای این تسلیم خفت آور و حضیضانه، مدال قهرمانی هم به سینه خود نصب کند.

البته این تسلیم بزدلانه که تحت عنوان کاربرد دیپلماسی لبخند و مذاکره به منظور فریب دادن امریکا برای فرماندهان بی مغز سپاه و بسیج تبلیغ می‌شود، خودشان هم خوب می‌دانند که امریکا را فریب نمی‌دهد؛ بلکه

کلاهی است که می خواهند سر مردم بگذارند. تسلیم رژیم به امریکا نه مشکلی از مشکلات مردم را حل می کند (که البته حاکمیت در پی آن نبوده و نیست بلکه چماق رژیم را در سرکوب جنبش مردمی تیزتر هم میکند) و نه حتی مشکلی از حاکمیت را حل خواهد کرد. هر چند موقتاً تهدیدات نظامی خارجی کاهش خواهد یافت ولی کار برد جنگ برادر کشی داخلی و دامن زدن به تفرقه و جنگ شیعه و سنی و قوم گرایانه و گسیل تروریست ها از خارج شبیه آنچه در عراق و سوریه به کار بردند از دستور کار امپریالیست ها خارج نخواهد شد. کنار گذاشته شدن بهانه هسته نی جای خود را به دهها بهانه دیگر که در انبان امپریالیست ها فراوان است، خواهد داد.

و اما در رابطه با تدبیر اتخاذ شده توسط رژیم در برخورد با جنبش مردمی چنانکه در تصویر زیر مشاهده می کنید گارد ویژه ای که در پشت بام ساختمان شرکت واحد در حال نشانه گیری دقیق از پشت دوربین تفنگ ژ ۳ است، مغز دشمن متجاوز خارجی را هدف قرار نداده بلکه سینه کارگر اخراجی دردمندی که پدر ۴ فرزند و همسری بیمار است و درخواست بازگشت به کار را داشته، نشانه گرفته است.



ایسنا می نویسد: بهرام ۴۶ ساله کارگر شرکت واحد می خواست برای آخرین بار از مدیران این شرکت بخواهد که او را به سر کارش باز گردانند. وقتی فهمید حکم اخراجش قطعی شده و قانون چاره درش نیست، آمده بود دوباره از مشکلاتش بگوید که اجازه ورود نمی گیرد، به زور وارد اتاق مدیرعامل می شود و ۹ ساعتی با پیمان سنندجی و کسی که حکم اخراجش را امضاء کرده در یک اتاق می ماند.

حالا هفته ای از این اتفاق گذشته است. دیگر خبری از او و چند صد کارگری که بی دلیل حکم اخراجشان را گرفته اند در رسانه ها نیست. شهر به دنبال اخبار دیگری است اما در خانه بهرام، غم بی پدیری به غم نان افزوده شده.

زن بهرام می گوید "آن روز کذائی برای حرف زدن رفته بود شرکت واحد اما راهش ندادند. قبل تر خودم چند بار رفتم. حاضر نبودند حرف مرا بشنوند. کلیه هایم سنگ دارد، دیسک کمر دارم اما بیمه ما را قطع کردند. دخترم دانشگاه قبول شد اصلاً رویش نشد به پدرش بگوید. پسرم مدرسه نمونه دولتی قبول شده است معدلش بالاست اما نمی دانیم بتوانیم هزینه های آن را پرداخت کنیم یا نه."

می گوید شوهرش با کسی دعوا نداشته است هیچ وقت. سرش به کار خودش گرم بوده "اما در این یک سال و نیم انگار ما ۱۰ سال پیر شدیم. پول زیادی به ما نمی دادند، ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان. با همین اندک هم زندگی را می گذراندم"، این را با حسرت می گوید. حسرت روزهای خوشی که بهرام هنوز کار می کرد و او با حقوق اندکی ۴ بچه و خانه را اداره می کرد.

می گوید: "می گفتند برو کار دیگری پیدا کن. مگر بعد از ۱۴ سال کار و با این سن و سال می توان کار دیگری پیدا کرد؟ چه کاری می توانست بکند؟ حالا بهرام کجاست؟"

زن می گوید "بهرام اول زندان اوین بود و حالا رجائی شهر است.

برای بیشتر روشن شدن وضعیت طبقه کارگر ایران به گوشه‌هایی از نامه سرگشاده‌ای که از طرف بیش از ۳۰۰۰ نفر از کارگران، تکنسین‌ها و مهندسان پروژه‌های نفتی ایران خطاب به روحانی و توسط ناصر آقاجری نوشته شده است اشاره می‌کنیم:

«فاصله‌ی طبقاتی هر روز ابعاد تصاعدی و بزرگ تری پیدا کرده و فقدان آزادی اندیشه و قلم همچنان به همان روال گذشته ادامه یافته است. دلالی و واسطه‌گری بین‌المللی، و واردات بی‌رویه و بدون کنترل کالاهای مصرفی آن هم بدون کیفیت، صنایع و کشاورزی ما را به رکود و ویرانی کشیده و از سوی دیگر این نابهنجاری‌ها در ارتباط با مناسبات کار و حقوق قانونی نیروی کار (کارگران صنعتی، تکنسین‌ها و مهندسان) بیشتر از همه جنبه‌های دیگر، آفت رشد شده و نمود پیدا کرده است و بدین صورت صدمات جدی بر پیکر با ارزش ترین منابع ملی کشور (نیروی کار فنی) وارد نموده است.

دولت‌های پس از جنگ به ویژه با پذیرش تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی‌های گسترده که الهام گرفته از اقتصاد سرمایه‌داری دوران معاصر (نئولیبرالیسم) است، قانون کار را در برخی مناطق به نام مناطق آزاد تجاری به حاشیه راندند. فقط با اعلام منطقه آزاد تجاری در پارس جنوبی، چند ده هزار نیروی کار فنی کشور در عمل از شمول قانون کار خارج شدند و در زیر فشار مطلق پیمانکاران قرار گرفتند. با معافیت کارگاه‌های زیر ده نفر از قانون کار در دولت اصلاحات، بزرگ‌ترین بخش کارگری ایران از حداقل حقوق، سنوات، و نیز از امکان دریافت مستمری بازنشستگی و خدمات تأمین اجتماعی برای همیشه محروم شدند. از این رو این گروه عظیم زحمت‌کشان با خانواده‌هایشان باید در سن از کارافتادگی برای امرار معاش به تکیه‌گری رو بیاورند. در نظام سیاسی که وعده حکومت مستضعفان و محرومان را شعار خود قرار داده بود، مستضعفان فقیرتر و ضعیف‌تر و فرسوده‌تر شدند و در عوض سرمایه‌داران (بخش خصوصی یا به قول مسئولان زمان انقلاب، طاغوتیان) ثروتمندتر و فربه‌تر گشتند. از سوی دیگر با تصویب بند "ز" در مجمع تشخیص مصلحت نظام، کارفرماها در بخش‌هایی اختیار تام به دست آوردند که به اخراج کارگرانی مبادرت ورزند که تا روز پیش از مصوبه جدید، قانون کار از آن‌ها حمایت می‌کرد. این است شرایط رنج آور، برای مردم و تولیدکنندگان نعمات مادی در ساختار اقتصادی امروز جامعه ما. مناسباتی ارتجاعی که به توصیه صندوق بین‌المللی پول - نهادی که ۵۱ درصد آن در اختیار امریکاست - به جامعه ایرانی تحمیل شده است. این ساختار اقتصادی (نئولیبرالیسم) طی چند دهه سلطه بر جهان، جز دامن زدن به رکود اقتصادی و تورم قیمت‌ها و ایجاد فاصله طبقاتی عظیم و عمومی‌سازی فقر و یک در صدی کردن غنا و ورشکستگی بنگاه‌های تولیدی چه دستاورد دیگری به دنبال داشته است؟ آن هم در حالی که سردمداران و رهبران جهانی این نظم اقتصادی، بزرگ‌ترین جنگ‌های منطقه‌ای از اروپا تا آسیا را به وجود آورده‌اند که هنوز هم در منطقه خاورمیانه تداوم دارد و این در حالیست که چند کشور از جمله کشور ما ایران در معرض تهدید به جنگ و تقابل‌های سیاسی - اقتصادی قرار دارند.

تأثیر مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی (نئولیبرالیستی) بر کار و زندگی نیروی کار پروژه‌نی:

ساخت پروژه‌های صنایع مادر در ایران با توجه به دور بودن از مناطق شهری، زندگی کارگران در خوابگاه‌ها، ساعات فشرده و طولانی کار (۱۲ ساعت در روز)، شتاب کار به دلیل زمان‌بندی‌های ضروری ساخت و مدت زمان مرخصی یک کارگر در عمل یک اردوگاه کار است نه یک کارگاه معمولی، که البته همین کار در مناطق آزاد تجاری و ضروری نبودن اعمال قانون کار به یک اردوگاه کار اجباری تبدیل شده است.

یک نیروی کار پروژمئی در اردوگاه کارش باید ۲۳ روز در اختیار کار پروژه باشد یعنی ۷۶,۶ درصد از زندگی‌اش و یک کارگر باید ۲۴ روز یا ۸۰ درصد زندگی‌اش را با بدترین شرایط بهداشتی، غذایی و وسایل خواب نامناسب به سر ببرد. با روزانه ۱۲ ساعت کار. سازمان‌های جهانی کار پس از بررسی‌های علمی به این نتیجه رسیده است که کار روزانه بیش از ۸ ساعت در دراز مدت اثرات روانی و جسمی غیر قابل جبرانی بر نیروی کار به جا می‌گذارد از این رو حداکثر ساعت کاری در یک روز باید ۸ ساعت باشد و برخی از روزها که ضرورت پروژه اضافه کاری را در دستور کار قرار می‌دهد، با توافق کارگر فقط باید ۲ ساعت اضافه کاری انجام بدهد آن هم نباید هر روز باشد. در حالی که یک کارگر پروژه‌ای باید روزی ۱۲ ساعت ممتد کار کند و در صورت ضرورت اضافه کاری بدون رضایت کارگر تا ۱۶ ساعت ادامه می‌یابد آن هم بدون محاسبه چهل درصد اضافه کاری تأیید شده قانون کار. عوارض ویرانگر این شیوه در کوتاه مدت به صورت اعتیاد شدید عمومیت یافته، و از سوی دیگر باعث از هم پاشیدن کانون خانوادگی و آمار بالای طلاق در میان کارگران شده است. شرایط نامناسب دیگر کار پروژه‌ئی، فقدان شرایط ایمنی کار است به دلیل این که پروژه در حال ساخت می‌باشد. در حال ساخت بودن پروژه، امکانات ایمنی برای حفظ جان نیروی کار را بسیار محدود کرده است. از سوی دیگر آلودگی‌های بسیار شدید گازی، کیمیائی، صوتی و... به گونه‌ای است که در روزهایی که هوا دچار وارونگی می‌شود، با هر تنفس بوی اندر (آمونیاک) را استشمام می‌کنیم، گوشه‌های لب و چشم به سوزش می‌افتد و در دهان طعم ترشی را حس می‌کنیم. عوارض این شرایط، آلودگی‌های خونی در میان کارگران است.

حالا چنین نیروی کاری می‌خواهد برای ۶ روز به مرخصی برود که یک روز آن در راه رفت و یک روز آن در راه برگشت هدر می‌شود. این نیروی کار مجبور است در هر ماه تنها ۴ روز را به تربیت فرزندان و همسرداری و همیاری با او بپردازد، آن هم در صورتی که او نه یک انسان شاد و با نشاط را بلکه یک جسد خسته را به خانه رسانده است. در سوی دیگر همسر این کارگر پروژه‌ئی پس از ۲۳ الی ۲۴ روز تنهایی و رویارویی با گرانی و تورم و حقوق نان آور خانواده که پس از ماه‌ها به وسیله بخش خصوصی (سرمایه‌داری) پرداخت نمی‌شود - البته به لطف شیوه تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی ارمغان صندوق بین‌المللی پول (اقتصاد امریکائی) - انتظار دارد همسرش بیاید و کمی از بار این مشکلات همه جانبه را از دوش او بردارد، ولی با همسری مواجه می‌شود با جیبی خالی از حقوق - باز هم به لطف بی‌قانونی نظام اقتصادی نئولیبرالیستی - و با اعصابی خسته و انفجاری که تنها به خوابیدن فکر می‌کند. این یک شرایط غیر قابل تحمل و نابهنجار است که در عمل منجر به اختلافات و درگیری‌های خانوادگی و در نهایت به جدائی می‌انجامد. هر دو حق دارند، هر دو بی‌گناهند، هر دو قربانی نظام اقتصادی رایج هستند. نظامی که با اتخاذ شیوه اقتصادی نادرست پایش را بر گلوی نیروی کار می‌فشارد و برای رضایت سرمایه‌داری (بخش خصوصی) به ضعیف کشی اقدام می‌کند.

برگرفته از توفان الکترونیکی شماره ۸۷ مهرماه ۱۳۹۲ نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

<http://rahetoufan67.blogspot.se>

<http://kanonezi.blogspot.se/>

<http://www.kargaregah.blogspot.se/>

www.toufan.org

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توییتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>